

قرآن مجید

ترجمه و توضیحات از بهاء الدین خرمشاهی

این بنده بهاء الدین خرمشاهی (متولد قزوین ۱۳۲۴) از اهل قلم و پرکار و پراکنده کار هستم. اما در دو زمینه تحقیقی، تا حدودی حرفه ای و تخصصی کار کرده ام. یعنی در زمینه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی. در زمینه قرآن پژوهی چهار اثر دارم و در زمینه حافظ پژوهی ۶ اثر. از قرآن پژوهی ها دو اثر منتشر شده و دو اثر زیر چاپ است. دو اثر منتشر شده عبارت است از: ۱) تفسیر و تفاسیر جدید (چاپ مؤسسه کیهان، ۱۳۶۴) که به عربی وارد و هم ترجمه شده است. ۲) فرهنگ موضوعی قرآن مجید که فهرست موضوعی محتویات قرآن کریم است، که به عربی است. (چون فهرست هر اثری باید به همان زبان باشد) و دو عنوان دارد یکی عربی: *الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم*، و دیگری به فارسی: فرهنگ موضوعی قرآن مجید که نظم آن الفبایی است و در حدود ۸۰۷ هزار موضوع را با ذکر نام سوره و شماره آیات در بر دارد و در تدوین آن آخرین روشهای فهرست نگاری که امروزه در جهان رایج است به کار برده شده است. دوست دانشورم جناب آقای فانی در این اثر با این جانب همکار بوده اند (چاپ دوم. تهران، الهدی، ۱۳۶۹، در حدود ۴۰۰ صفحه). که قرار است با حذف ارجاعات فارسی در بیروت توسط انتشارات دارالروضة تجدید

طبع شود.

اثر سوم قرآنی بنده کتابی است به نام قرآن پژوهی که هفتاد مقاله و تحقیق قرآن پژوهی، از جمله نقد و بررسی چندین ترجمه فارسی قرآن مجید را در بر دارد و در آخرین مراحل زیر چاپ است و ان شاء الله در بهار آینده از سوی انتشاراتی به نام «نشر مشرق» منتشر خواهد شد.

چهارمین اثر قرآنی بنده همان ترجمه قرآن مجید همراه با توضیحات است. این ترجمه در قطع رحلی است. در هر صفحه در قسمت بالا و سمت راست قرآن مکه [= مصحف المدینه] که کتابت عثمان طه است قرار دارد. در روبروی آن یعنی نیمه بالای صفحه در دست چپ، ترجمه آن با حروف خوانای سیاه و در نیمه پایین هر صفحه در ۲۰ سطر بلند و سراسری، توضیحات لازم تهیه و عرضه شده است.

بنده از دو دهه پیش در اندیشه ترجمه قرآن مجید به زبان فارسی شیوا و روشن امروزی با اندک بهره از نثر قدیم (چیزی که زبانشناسان به آن نثر معیار می گویند و نه عربی گراست و نه فارسی گرا) بوده ام. و مشتاقانه چندین ترجمه قدیمی مانند قرآن قدس، ترجمه تفسیر طبری و ترجمه موجود در تفسیرهای قدیمی دیگر مانند تفسیر سور آبادی و ابوالفتوح و از همه مهمتر و شیوا و شیرین تر ترجمه نوبت اول و دوم تفسیر میبیدی و ترجمه شاه ولی الله دهلوی را با اصل نص مقدس قرآن مقابله می کردم و تجربه می اندوختم و نکته ها می آموختم. از ترجمه های معاصر هم غافل نبودم و بر اغلب آنها نقد نوشته ام. از جمله نقد بر ترجمه آقای محمد خواجوی، نقد بر ترجمه آقای جلال الدین فارسی، نقد بر ترجمه آقای محمد باقر بهبودی، نقد بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی - ۳ نقد - (که اولی را چاپ نکردم و به خود استاد آیتی تقدیم کردم. دومی را در کتاب سیربی سلوک به طبع رساندم؛ و سومی نیز در زیر چاپ است)، یادداشت درباره ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند، و نقد بر ترجمه محبوب و مغلوپ شادروان مهدی الهی قمشه ای که احتمالاً از ۲۰۰ صفحه تجاوز خواهد کرد. همه این نقدها تحقیقی و منصفانه و مؤدبانه است. چون قرآن پژوهان باید به همدیگر احترام بگذارند و در نقد قرآن به فرمایش نفس اماره به منافسه و رقابتهای ناپسند نپردازند. بنده در این ۳۰۰ - ۴۰۰ صفحه یا بیشتر نقدی که بر ترجمه های قرآن مجید نوشته ام، حتی یک بار تعبیر نامناسب و جدلی و

بی محابا بکار نبرده ام.

ترجمه های موجود را از چند جهت ناخشنود کننده می یافتم. (۱) یا شیوا و رسانبودن نثر فارسی (۲) یا دقیق و امین نبودن ترجمه (۳) یا تسلط نداشتن مترجم به هنر ترجمه به طور کلی و ماشینی و تحت اللفظی ترجمه کردن (۴) و نداشتن توضیحات خارج از ترجمه ولی مربوط به آن.

لذا پس از آنکه ۱۵۰۱۴ کتاب (از انگلیسی به فارسی) ترجمه کردم مانند: درد جاودانگی، عرفان و فلسفه، خدا در فلسفه، علم و دین، دین پژوهی، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، از بنیام تا راسل، مجلد هشتم تاریخ فلسفه نوشته کاپلستون، و دو سه داستان و غیره، فی الجمله ریزه کاریهای ترجمه را فرا گرفتم. از نظر فارسی نویسی و مهارت در نثر فارسی شاید حداقل شرایط را حائز باشم. باقی ماند دقت و امانت در ترجمه که سعی کردم در ترجمه خود از قرآن مجید به حد اعلی رعایت کنم و اگر کلمه یا تعبیری خارج از متن لازم بوده آن را در داخل قلاب آورده ام و چهارمی تهیه و عرضه یادداشتهای تفسیری که حتی المقدور توضیحی و روشنگر و موجز باشد با ذکر منابع. تفسیر معمولاً همراه با تفصیل است، لذا بنده یادداشتهای پانویسهای خود را «توضیح» می نامم. این توضیحات یا لغوی است، یا مربوط به اختلاف قراءات، یا مربوط به بیان شأن نزول یا توضیح تاریخی. طبعاً تاریخ تکوین و صدر اول اسلام و سیره نبوی، و معرفی اعلام تاریخی و قصص و جغرافیایی و توضیحات کلامی، (گاه به ندرت حکمی و فلسفی) و فقهی، غالباً بر مبنای نظر گاه و مدارک فقهی شیعه امامیه، و گاه نیز تطبیقی و مقارن. این توضیحات گاه تفسیری است، یعنی در جهت حل مشکلات معنوی متن است. حاصل آنکه هر نکته مبهم و محتاج به شرح و بیان را به روشنی و کوتاهی شرح داده ام و در هر مورد از قدیمترین منابع گرفته، تا جدیدترین آنها استفاده کرده ام. اساس کار را بر ۱۵ تفسیر کهن و معتبر اعم از شیعی یا سنی، یا فارسی یا عربی گذارده ام. به این شرح: از تفاسیر شیعه: تفسیر قمی، تفسیر تبیان (شیخ طوسی)، تفسیر مجمع البیان (شیخ طبرسی)، امالی سید مرتضی و تفسیر عظیم المشانی که حلال مشکلات است، یعنی تفسیر ابوالفتوح رازی و از عصر جدید تفسیر المیزان (شادروان علامه طباطبایی) و تفسیر کاشف (شادروان محمد جواد مغنیه). از تفاسیر اهل سنت: تفسیر طبری، تفسیر میبیدی، تفسیر

زمخشری، تفسیر امام فخر رازی، تفسیر بیضاوی، متشابهات القرآن و تنزیه القرآن عن المطاعن هر دو اثر قاضی عبدالجبار معتزلی و از عصر جدید تفسیر قاسمی. در زمینه لغت در حدود ۲۰ فرهنگ اعم از عام یا خاص (قرآنی). مراجعه می‌کنم. در زمینه های اختصاصی مانند قصص قرآن، یا فقه القرآن، یا اختلاف قراآت یا اعراب القرآن نیز منابع ارزشمند قدیم یا جدید فراوان دارم و ذیل هر توضیحی ولو آنکه در سه کلمه باشد، منبع آن را یاد می‌کنم، تا خواننده مطمئن باشد که با توضیحات انشاوار و بی منبع و مرجع و من عندی مواجه نیست.

ان شاء الله در پایان این ترجمه يك واژه نامه سراسری از همه کلمات قرآنی و معادل فارسی آنها (همانهایی که در طی ترجمه به کار رفته است) خواهم آورد. و ضمایم مفیدی چون تاریخ جمع و تدوین قرآن، تحریف ناپذیری قرآن، کلمات فارسی در قرآن مجید و نظایر آن.

ضمناً برای آنکه اشتباهات مترجمان دیگر را تکرار نکنم، با استفاده از نقدهای ترجمه های قرآن اشتباهات دیگران را فیش کرده ام، و وقتی که در ترجمه خود به هر مورد می رسم طبعاً از آن پرهیز می‌کنم. امیدوارم هم منابع و هم نحوه استفاده از آنها و هم روش و رهیافتم برای حل مشکلات قرآنی، دقیق و درست باشد.

بین خود و خدا خاکسارانه عرض می‌کنم که آنچه در وسع و توانم بوده است به کار برده ام که هیچ شرط علمی را فروگذار نکرده باشم. امید وارم به حق صاحب قرآن، حاصل کارم پذیرفتنی و گامی به پیش باشد. این کار از آذر ماه ۱۳۷۰ آغاز شده و طبق زمان بندی آن ان شاء الله در اسفند ماه ۱۳۷۳ (یعنی در چهل ماه) به پایان خواهد رسید. در حال حاضر در جزء بیستم هستم و حروف چینی و صفحه بندی بیست جزء اول همزمان انجام گرفته است، لذا این اثر سه چهار ماه پس از به پایان رسیدن ترجمه و توضیحات، آماده انتشار است (یعنی حدوداً در تابستان ۱۳۷۴). ناشران با همت این اثر، نشر نیلوفر و نشر جامی هستند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین